

بیژن شقایق

دادیار دادرسی انتظامی

اخلاق حرفه‌ای

حفظ اسرار

از ویژگی‌های شغل وکالت این است که زندگی حرفه‌ای وکیل با زندگی خصوصی او آمیختگی غیرقابل انفکاک دارد در باب حرف دیگر شاید فرد بتواند زندگی خصوصی توجیه‌ناپذیر و رفتار و حرکات مشکوک و قابل انتقاد داشته باشد بدون اینکه به زندگی حرفه‌ای او لطمه‌ای وارد شود، اما بروز اولین آثار نامطلوب و منفی در زندگی خصوصی وکیل دادگستری را باید نشانه «آغاز پایان» زندگی حرفه‌ای او تلقی کرد.

وکیل دادگستری باید دارای ثبات عقیده بوده و با کار بیشتر و فعالیت خستگی‌ناپذیر خود بصرمنزل مقصود برسد. وکیل دادگستری باید علاوه بر اطلاعات و معلومات اکتسابی (حرفه‌ای) دارای صفات و خصوصیات طبیعی نیز باشد من جمله باید بیان روانی داشته و دارای حافظه قوی بوده، قدرت و تسلط بر رفتار و صدای خود داشته باشد.

وکیل دادگستری باید خلق ملایم داشته باشد. انانیت فریبی مهمترین صفتی که از نظر اخلاقی به منزله روح شغل وکالت تلقی می‌شود، شرافت و درستی عمل وکیل است. وکیل دادگستری باید کاملاً شرافتمند بوده و مظهر درستی و تقوی باشد تا بتواند احترام لباسی را که می‌پوشد و سوگندی را که می‌خورد محفوظ دارد.

وکیل دادگستری فقط و فقط بر اثر جلب اعتماد موکلین و وکلای طرف و قضات است که می‌تواند موقعیت خود را در جامعه محفوظ و مستقر کند. وکیل دادگستری باید از نظامات مربوط به حرفه وکالت کاملاً آگاه باشد تا بتواند به تمام معنی و به نحو مفید و شایسته به شغل وکالت ادامه دهد.

وکیل دادگستری باید ابتدا شغل خود را خوب شناخته و به نظامات مربوط به آن

کاملاً آگاه باشد. متأسفانه اکثر کارآموزان محترمی که سوگند یاد کرده و به حرفه شریف وکالت نایل می‌شوند، تقریباً اطلاع درستی از نظامات مربوط به وکالت نداشته و گاهی در ابتدای شروع به کار، مرتکب تخلفات انتظامی مهمی بر اثر همین عدم اطلاع می‌شوند که در آئیه آنها کاملاً مؤثر بوده و ممکن است به کلی آئیه حرفه‌ای آنان را خراب کند. لذا ضروری است قوانین و مقررات وکالت به کارآموزان تدریس و امتحان گرفته شود.

امروز در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا، کانونهای وکلا برای جوانانی که شروع به کار می‌کنند مقرراتی وضع و آنان را چه در دوره کارآموزی و یا بعد آن، با رعایت این مقررات با نظامات مربوط به شغل خود آشنا می‌کنند. این مقررات شامل یک رشته تعلیمات مخصوصی است که تنها آزمایش عملی و کیل در دفاع نبوده و بیشتر از نظر موضوعی مربوط به نظامات شغل وکالت است.

در جهت طی همین طریق مهم است که کانون وکلای دادگستری مرکز نیز به همت دادرسی انتظامی کانون تصمیم گرفته است با انجام یک رشته سخنرانی‌های کوتاه، همکاران عزیز و کارآموزان محترم را با نظامات مربوط به حرفه وکالت هرچند اندک آشنا کند. در این زمینه تعریف و بررسی و بیان بند ۲ ماده ۸۱ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال وکلا به عهده اینجانب محول شده است.

در صدر ماده ۸۱ مرقوم و در بند ۲ ماده ۸۱ آئین‌نامه لایحه قانونی وکلا چنین آمده است:

متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد.
بند ۲ در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید، اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.
در بررسی اجمالی این بند از ماده ۸۱ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال وکلا اجازه می‌خواهد مبحث را به شرح زیر بررسی کند:

- ۱- تعریف سرّ،
- ۲- سابقه‌ای از نظم مذکور در سایر جوامع،
- ۳- اشارات و تصریحات آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال وکلا در مواد مختلف،
- ۴- بررسی در سایر قوانین حاکم،

۵- تضاد.

سرّ یا اسرار در قوانین تعریف نشده و در قوانین موجود تعریفی از سرّ یا اسرار بعمل نیامده است و حتی در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا نیز که برای افشا اسرار به شرح بند ۲ ماده ۸۱ و بند ۵ ماده ۷۶ همان قانون مجازات ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از حرفه وکالت را مقرر داشته است، تعریفی از سرّ یا اسرار بدست نداده است.

سرّ در فرهنگهای مختلف به شرح زیر تعریف شده است.

در فرهنگ عمید معنای سرّ به شرح زیر آمده است:

«این نسبت اسم و عربی است و معنای آن راز، امر پوشیده و نهفته می باشد.

سرّ مطلب نهفته در دل، آنچه که باید پنهان داشت.»

و در فرهنگ معین معانی سرّ را چنین بیان می دارد:

«سرّ، یعنی کار پوشیده و مخفی، سرّ به معنای راز.

سرّ لطفه‌ای مودع در قلب که محل شهود است چنان که روح محل محبت و قلب محل معرفت است.

سرّ چیزی است که حق آن را پنهان کرده است و مردم را بدان دسترسی نیست.»

● بررسی در سایر جوامع

مرحوم دکتر محمود سرشار به شرح زیر گزارش خود از کنگره بین المللی وکلای دادگستری روی هم تحت عنوان کد اخلاقی وکلا طرح پیشنهادی یکی از وکلای دادگستری مکزیک به کنگره مذکور را ترجمه و در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ طرح مذکور چنین بیان می دارد.

ماده ده - حفظ اسرار مربوط به شغل وکالت.

حفظ اسرار مربوط به شغل وکالت یکی از تکالیف و حقوق وکلای دادگستری است.

اطلاق لفظ تکلیف در حفظ اسرار از لحاظ حقوق موکل است که باید رعایت این

وصف از سایر اوصاف مختصه به این شغل تجاوز نکند ولی در رعایت و توجه به این

اصل از نظر قضات و مقام قضا کلمه حق به آن اطلاق خواهد شد، زیرا وکیل دادگستری

می تواند اسراری را که مجبور به افشای آن باشد قبول نکند.

هرگاه وکیل بعنوان ادای شهادت در دادگاهی دعوت شود، می‌تواند با کمال استقلال و آزادی تمام از پاسخ هر سؤالی که منتهی به افشای اسرار شغلی او شود امتناع کند.

ماده یازده - توسعه تکالیف وکلای در حفظ اسرار مربوط به شغل وکالت.

وظیفه حفظ اسرار شغل وکالت نیز متضمن اسراری است که از طرف اشخاص ثالث به مناسبت شغل وکالت به شخص وکیل داده شده است و نیز وکیل باید در حفظ اسراری که در نتیجه مذاکرات جهت بستن قرارداد با وکیل ایجاد شده ولی صورت عمل بخود نگرفته است و همچنین اسراری که از طرف وکلا به شخص او داده شده است کوشا بوده و در مقام حفظ آن برآید.

وکیل نباید هیچ‌گونه دعوایی را که در بعضی از قسمت‌ها با اسراری که در انجام شغل وکالت از موکل به دست آورده، ارتباط دارد، بدون جلب رضایت او قبول کند.

ماده دوازده - در ختم وظیفه مربوط به حفظ اسرار وکالت.

اگر موکلی وکیل خود را متهم به ارتکاب جرایم کند وکیل مزبور حق دارد حقایق را به درجه و میزان تهمتی که به او استناد شده است بیان و اظهار کند و حتی در چنین مواردی وکیل می‌تواند اسراری را که از طرف موکل به او داده شده است، آشکار سازد.

اگر موکل وکیل را از قصد خود به ارتکاب جرمی مطلع کند، وکیل الزامی به حفظ چنین سری نداشته و باید فوراً افشا کند زیرا هم کمک و معاونت به ارتکاب جرم مزبور نکرده و هم اشخاصی را که در معرض مخاطره بوده‌اند حفظ کرده و از ضرر و زیان حاصله از جرم نجات داده است.

• تصریحات قانون وکالت در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا

ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مقرر می‌دارد.

«وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

ماده ۷۶ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مجازات‌های انتظامی را به شرح

زیر معین داشته است:

۱- اخطار کتبی،

۲- توییح با درج در پرونده،

۳- توییح با درج در روزنامه رسمی و روزنامه کانون،

۴- نزل درجه،

۵- ممنوعیت از سه ماه تا سه سال،

۶- محرومیت دائم از شغل وکالت.»

و ماده ۸۱ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مقرر می‌دارد:

«متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ (ممنوعیت از سه ماه تا سه سال)

محکوم خواهد شد.»

۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از

اینکه اسرار مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.

و نهایتاً اینکه ماده ۸۸ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مقرر می‌دارد.

«کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین نامه خواهد بود.»

و بالاخره اینکه تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مقرر

می‌دارد:

کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند،

چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رییس کانون و رأی

دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.

• بررسی در سایر قوانین

در قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری اخیرالتصویب قانونگذار به

نحوی وارد این مبحث و وظیفه و تکالیف وکلا شده و مقرراتی را وضع کرده است.

در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی آمده است:

«اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه

خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به

سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون پانصد هزار تا شش میلیون ریال

جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

همچنین قانونگذار در ماده ۱۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری اخیر التصویب مقرر داشته است که: هرگاه متهم نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می‌تواند آنها را برحسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استتکاف از ارائه آنها، مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.

• تضاد

چنانچه ملاحظه شد به نظر می‌رسد که وظیفه، تکلیف، حق وکیل در حفظ اسرار موکل در بعضی از موارد با اصول دیگر حاکم در تضاد قرار گرفته است و این وظیفه یا تکلیف ساقط و این حق ذایل می‌گردد. به دو مورد مهم آن که در قوانین مجازات اسلامی ماده ۶۴۸ و قانون آئین دادرسی کیفری ماده ۱۰۶ آمده است به شرح بالا اشاره و متن مواد مرقوم ارائه شد که آن عبارت است از موارد قانونی مقرر در ماده ۱۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری و یا موارد مؤثر در کشف جرم در قانون مجازات اسلامی است.

بدیهی است همچنین هرگاه وکیل از قصد موکل در ارتکاب جرمی مطلع شده یا اسراری را از موکل داشته باشد که در کشف جرم مؤثر باشد و یا شخصاً طرف اتهام موکل به ارتکاب جرمی قرار گیرد نه تنها وظیفه حفظ اسرار را ندارد، بلکه موظف است که اسرار مذکور را افشا و به درجه و میزان تهمتی که به او استناد شده است حقایق را بیان دارد.

و اما ممکن است احساس شود که تکلیف و وظیفه وکیل به شرح مواد و اصول بالا با ماده ۶۶۷ قانون مدنی در تضاد قرار گرفته باشد، چه به شرح ماده مرقوم «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده است یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند.»

با بررسی دقیق ماده مرقوم از قانون مدنی، به نظر می‌رسد که قوانین و مقررات و نظامات مربوط به حفظ اسرار در قانون مجازات اسلامی یا مقررات انتظامی کانون وکلای، تضادی با ماده ۶۶۷ قانون مدنی ندارد. چه به شرح مواد مرقوم نیز اصل وکالت که بر

رعایت مصلحت موکل است رعایت شده است.
ثانیاً تصرفات و اقدامات وکیل در محدوده اختیار اعطایی موکل صورت گرفته و در کلیه موارد وکیل بر اساس مصلحت موکل و اختیار اعطایی موکل به وی و در محدوده اجازه افشا یا عدم افشا اسرار اقدام خواهدکرد، مگر در مواردی که به حکم قانون این تکلیف یا وظیفه یا حق ساقط شده باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی